

Research Article

The Heavens in Popular Culture in Leyli and Majnun and Khosrow and Shirin Mir Mohammad Amin Shahrestani from the perspective of Benham

Maliheh Karimi¹, Mandana Mangali^{2*}, Fatemeh Erfani Vahed³

Abstract

In popular culture and belief, the heavens and planets have a great influence on human life. In astronomy and astrology, Dr. William Benham has also paid close attention to celestial bodies and their influence on human life. Mir Mohammad Amin Shahrestani Isfahani (981-1047 AH), pen name Ruhol Amin and Mir Jamla, is a poet of the 10th century AH. He is one of the leading poets of the Safavid era who, in imitation of Nizami Ganjavi, created two lyrical collections of poems: Khosrow and Shirin and Leyli and Majnun. The present article is written in a descriptive-analytical manner in order to examine and analyze the elements of culture and popular belief about astronomy and the influence of the heavens from the perspective of Ben Ham, in Leyli and Majnun and Khosrow and Shirin Mirjamla, and it answers the main question: which personality type from Ben Ham's perspective has a high frequency in the two aforementioned lyrical poems? – Based on the research findings, astronomy and the influence of the planet of love, namely Venus, have the highest frequency in these two romantic poems.

Keywords: Popular culture, popular belief, heavens, Leyli and Majnun, Khosrow and Shirin, Mirjamla, Dr. Ben Ham

How to Cite: Karimi M, Mangali M, Erfani Vahed F, The Heavens in Popular Culture in Leyli and Majnun and Khosrow and Shirin Mir Mohammad Amin Shahrestani from the perspective of Benham, Journal of Comparative Literature Studies, 2025;19(74):128-149.

1. PhD student of Persian Language and Literature, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

افلاک در فرهنگ عامه در لیلی و مجنون و خسرو و شیرین میرمحمد امین شهرستانی از دیدگاه بن هم

ملیحه کریمی^۱، ماندانا منگلی^۲، فاطمه عرفانی واحد^۳

چکیده

در فرهنگ و باور عامه افلاک و سیارات در زندگی انسان تأثیر بسزایی دارند. در ستاره‌شناسی و طالع بینی دکتر ویلیام بن هم نیز توجهی مؤکد به اجرام آسمانی و اثرگذاری آن در زندگی آدمی شده است. میرمحمد امین شهرستانی اصفهانی (۹۸۱-۱۰۴۷ ه.ق) متخلص به روح الامین و میرجمله از شاعران قرن دهم هجری است. وی یکی از نظیره سربان عهد صفوی است که به تقلید از نظامی گنجوی، دو منظومه غنایی خسرو و شیرین و لیلی و مجنون را پدید آورد. مقاله حاضر به منظور بررسی و تحلیل عناصر فرهنگ و باور عامه در باب نجوم و تأثیر افلاک از دیدگاه بن هم، در لیلی و مجنون و خسرو و شیرین میرجمله به شیوه کتابخانه‌ای و به شکل توصیفی-تحلیلی نوشته شده است و به این پرسش اصلی پاسخ می‌دهد که کدام تیپ شخصیتی از دید بن هم در دو منظومه غنایی مذکور بسامد بالایی دارند؟ براساس دستاورد تحقیق، نجوم و تأثیر سیاره عشق یعنی ناهید(ونوس) بیشترین بسامد را در این دو منظومه عاشقانه دارا هستند.

واژگان کلیدی: فرهنگ عامه، باور عامه، افلاک، لیلی و مجنون، خسرو و شیرین، میرجمله، دکتر بن هم

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه و بیان مسئله

ادبیات تطبیقی در ایران یکی از رشته‌های نوین دانشگاهی در ایران است که در سال ۱۳۱۳ توسط فاطمه سیاح در دانشگاه تهران بنیان گذاشته شد (آسمند جونتقانی، ۱۳۸۸: ۲۴). ادبیات و نقد تطبیقی که در عهد حاضر مهم‌ترین روش تحقیقی در ادبیات جهانی است، روزبه روز شکوفاتر و پربارتر و باعث دل‌گرمی، هم‌فکری و هم‌دلی در بین اقوام مختلف جهان شده که در زبان‌های مختلف درباره آن بحث شده است، به این نوع تحقیق در ادب فارسی، ادبیات تطبیقی می‌گویند. (قزلباش، ۲۰۰۶: ۳۸). نظریه‌ها و رویکردهای جدید نقد ادبی، دریچه و منظر جدیدی برای قرائت متن می‌گشایند و امکان نقدهای عملی متفاوتی در اختیار منتقدان قرار می‌دهند. در ایران نیز تعدادی از پژوهشگران از منظر نظریه‌های جدید ادبی، همچون منطق گفت و گویی، مطالعات فرهنگی، تاریخ‌گرایی نو، هرمنوتیک، نشانه‌شناسی، روایت‌شناسی، روان‌شناختی، ادبیات و نقد تطبیقی به شکلی روشمند آثار گرانبه‌ای ادبیات فارسی را بررسی کرده و راه‌های جدیدی برای محققان جوان گشوده اند (انوشیروانی، ۱۳۸۷: ۱۶). ادبیات تطبیقی این امکان را فراهم می‌آورد که تبادل فرهنگی میان ملت‌ها و مردم در نواحی مختلف جهان بررسی شود و در اثر تضارب آراء، نقاط مشترک و متفاوت دیدگاه‌ها مشخص گردد (یوست، ۱۳۸۶: ۳۸). ادبیات تطبیقی نوعی پژوهش بین رشته‌ای است که به مطالعه رابطه ادبیات ملل مختلف با هم و بررسی رابطه ادبیات و علوم انسانی می‌پردازد. نظریه بن‌هم یکی از مباحث مشترک در فرهنگ عامه و روان‌شناسی است که موضوع مقاله حاضر را دربر می‌گیرد. بسیاری از شاعران با تأثیرپذیری از عصر و زمانه‌ای که در آن زیسته‌اند، شماری از باورها و اعتقادات عامه را در آثارشان راه داده‌اند بدین سبب است که منظومه‌های شعری این شاعران از منابع شایسته بررسی در زمینه مردم‌شناسی و فرهنگ عامه هستند. پناه جویی انسان گذشته ستاره‌شناسی، پیشگویی علوم غریبه و ... نشان می‌دهد بشر در گذشته در پی یافتن جوابی برای مجهولات و سوالهای بی‌شمار خود بوده است، هرچند این پاسخ‌ها نادرست باشد. باورهای عامیانه در باب نجوم و تأثیر افلاک بخشی از فرهنگ و زبان و ادبیات فارسی به شمار می‌آیند. شاعران از باورهای عامی مردم، به عنوان یکی از درون‌مایه‌های شعر خویش بهره‌برده‌اند تا به اثر خود رنگ دینی و ملی ببخشند و فرهنگ و سنت‌های جامعه خود را در پیچ و خم حوادث تاریخی از گزند فراموشی حفظ کنند. خرافه و باور عامیانه یک پدیده روحی و اجتماعی است. آدمی‌آنگاه که نمی‌توانست رابطه منطقی بین حوادث و پدیده‌های خارق‌العاده بیابد برای رهایی از آن به ذکر اوراد و نجواها می‌پرداخت و همین امر سبب شد تا به تدریج باورها و عقاید خرافی در ذهن او شکل بگیرد. یکی از این آثار برجسته که سرشار از آداب و رسوم خاص دوره خویش است، لیلی و مجنون و خسرو و شیرین میرجمه است. در این تحقیق نگرش‌های عامیانه در دو اثر مذکور از میرجمه با هدف آگاهی از باورهای مردم روزگار شاعر و فهم بهتر آن باورها و تلاش برای

یافتن پیشینه آنها مورد بررسی قرار گرفته است. ملت‌ها به آداب و رسوم و باورهای خاص فرهنگ و محیط خود پدیدارند و به زندگی ادامه می‌دهند. مطالعه آداب و رسوم و باورها در لیلی و مجنون و خسرو و شیرین میرجمله بیانگر این واقعیت است که این باورها زمانی زندگی انسان‌ها را تحت تاثیر قرار می‌داده‌اند.

سؤال تحقیق

مقاله حاضر به سوال زیر پاسخ می‌دهد:
عوامل مؤثر بر بازتاب انواع افلاک و تاثیر آنها از دید فرهنگ عامیانه در منظومه‌های عاشقانه خسرو و شیرین و لیلی و مجنون روح الامین کدام‌اند؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شد و از نظر نوع تحلیل، تحلیل سند، فیش برداری و مطالعه کتابخانه‌ای است.

پیشینه تحقیق

برخی از آثار منتشر شده در زمینه تاثیر افلاک و نجوم از دیدگاه دکتر بن‌هم عبارت است از: رضایی اردانی و ذبیح نیا عمران در سال (۱۴۰۳) مقاله‌ای تحت عنوان «شخصیت شناسی رمان بازی آخر بانو بلقیس سلیمانی بر اساس افلاک هفتگانه ویلیام بن‌هم» در مجله ادبیات پارسی معاصر چاپ کردند. براساس یافته‌های تحقیق، گونه سرشت کیوانی به شخصیت بانو نزدیک‌تر است که دال بر غم و غصه و خستگی‌ها و تلخی‌های زندگی وی است.
نیکداراصل و بهمنیار در سال (۱۴۰۰) مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل شخصیت در گلستان و بوستان سعدی براساس تیپ‌های هفت‌گانه سیاره‌ای ویلیام بن‌هم» در پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی دهقان چاپ کردند. براساس نتایج تحقیق می‌توان گفت بسامد چشمگیر در گونه سرشت ژوپتری که به شاه - حاکم می‌پردازد، در نوشته‌های سعدی نمود یافته است.

برخی از آثار منتشر شده درباره خسرو و شیرین و لیلی و مجنون میرجمله به شرح زیر است:
خشک جهان در سال (۱۳۸۶) در دانشگاه قم، در پایان نامه کارشناسی ارشد خویش، به راهنمایی سید علیرضا حجازی، لیلی و مجنون روح الامین شهرستانی را تصحیح کرد. خشک جهان، در پایان نامه مذکور از روی سه نسخه خطی: مجلس، دانشگاه تهران و ملک به تصحیح لیلی و مجنون روح الامین پرداخته است.

ذوالفقاری در کتاب یکصد منظومه عاشقانه (۱۳۹۲) در ذیل نظریه گویان آثار نظامی از خسرو شیرین و لیلی و مجنون میرجمله نام می‌برد.

باباصفری، علی اصغر (۱۳۹۲) در کتابی با عنوان «فرهنگ داستان‌های عاشقانه» به معرفی کوتاه نه لیلی و مجنون و خسرو شیرین میرجمله پرداخته است.

صفا در کتاب تاریخ ادبیات در ایران، به معرفی میرجمله و آثارش می‌پردازد. (صفا، ۱۳۷۲: ۵/۱۱۲۶).

خزانه دارلو در کتاب منظومه‌های فارسی، خمسه میرجمله را معرفی کوتاه می‌کند. (خزانه دارلو، ۱۳۷۵: ۲۹۰-۲۸۳).

مؤلف کتاب ریحانه‌الادب (۱۳۶۹) آقا میرزا محمدعلی معروف به مدرس تبریزی در جلد ششم، ص ۱۹۰ از میرجمله نام می‌برد.

امین احمد رازی، در کتاب تذکره هفت اقلیم؛ جلد دوم، ص ۲۶۳، به معرفی مختصر میرجمله می‌پردازد.

مهدوی، سیدمصلح‌الدین، در کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۱۰۰۵. به معرفی میرمحمد روح الامین می‌پردازد.

آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن، در کتاب الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۷، ص ۲۶۰. به میرجمله اشاره دارد.

حسین صبا، محمدمظفر، تذکره روز روشن، ص ۳۱۵. به معرفی کوتاه میرجمله و آثارش می‌پردازد. گلچین معانی، احمد، در کتاب کاروان هند، ج ۱، صص ۴۷۱-۴۸۱. به معرفی میرجمله می‌پردازد. شادروی منش و اختری پور در سال (۱۳۹۸) مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی انتقادی منابع شرح حال و سروده‌های روح الامین شهرستانی» که در مجله آینه میراث منتشر کردند. براساس دستاورد مقاله فوق، برخی از منابعی که زندگانی و سروده‌های او را ضبط کرده‌اند، درباره سفرها، مخدومان و هم‌چنین تألیفاتش اشتباهاتی کرده‌اند. این مقاله، بر اساس شواهد موجود در اشعار شاعر و با استفاده از نوشته‌های تاریخ‌نگاران معتبر، این اشتباهات را متذکر می‌شود و از جمله، نشان می‌دهد که او موفق به تکمیل خمسه خود نشده و تنها چهار منظومه سروده است و دیگر آن که جواهرنامه اثر مستقلاً از او نیست.

اختری پور در سال (۱۳۹۳) در پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم، به راهنمایی محمود عابدی به بررسی و معرفی دیوان روح الامین شهرستانی اصفهانی اقدام نمود. پایان‌نامه فوق تصحیح انتقادی دیوان روح الامین است. بخش پایانی این اثر نتیجه‌گیری مصحح از این تصحیح و پژوهش است.

فرزانه راد در سال (۱۳۹۰) در پایان نامه دانشگاه علامه طباطبایی به راهنمایی غلامرضا مستعلی پارسا به تصحیح کتاب خسرو و شیرین روح الامین اقدام کرد. پایان‌نامه مذکور با مقابله هر ۳ نسخه

خطی موجود در کتابخانه های کشور و با مقدمه ای در مورد هندوستان و جاذبه های آن دیار برای ایرانیان، به معرفی و بررسی اثر پرداخت.

خزانه دارلو و سلطانی در سال (۱۳۹۱) مقاله ای تحت عنوان «مقایسه شیرین و خسرو روح الامین شهرستانی اصفهانی با خسرو و شیرین نظامی در مجله پژوهش زبان و ادبیات فارسی چاپ کردند. در مقاله فوق، با مقایسه محتوایی و ساختاری- زبانی منظومه شیرین و خسرو روح الامین با خسرو و شیرین نظامی تفاوت ها و شباهت های دو منظومه بررسی شده است.

دهمرد و خوش جهان در سال (۱۳۹۰) مقاله ای با عنوان «مقایسه لیلی و مجنون نظامی با لیلی و مجنون روح الامین شهرستانی» در نشریه ادب و زبان منتشر کردند و به بررسی شباهت ها و تفاوت های دو اثر مذکور پرداختند.

مبانی نظری تحقیق

نظریه افلاک ویلیام بن هم^۱

دکتر ویلیام بن هم در کتاب خویش تحت عنوان «تحلیل علمی دست» ۲ هفت تیپ شخصیتی را براساس افلاک هفتگانه ارائه می دهد. بن هم به دلیل همبستگی دیرینه ی سیاره ها و تأثیر آن ها در زندگی انسان بنا به باورهای پیشینیان از این نام ها استفاده کرده است. وی توانست اطلاعات حاصله را در قالبی سازمان یافته پیگیری کند. هفت تیپ دکتر بن هم را می توان به وسیله ی ظاهر جسمی یا فقط دیدن دست افراد شناسایی کرد. در واقع در یک فرد تیپ های ترکیبی بسیاری می تواند وجود داشته باشد، و اغلب برای تشخیص و تمیز نخستین، دومین و سومین تأثیر تیپ ها بر یک فرد، و نیز تعیین تأثیرهای ناقص و غایب، آزمایش دست لازم می آید. این هفت تیپ در روزگار دکتر بن هم شناخته شده بودند اما طراحی و مرزبندی دقیق و درستی نداشتند (واگنر، ۱۳۸۵: ۱۶۸ و ۱۶۷).

نامگذاری هفت تیپ ارائه شده بن هم بر اساس نام های هفت سیاره است: ژوپیتر، زحل، آپولون، عطارد، مریخ، ماه، ونوس. هفت تیپ سیاره ای، به خاطر داشتن نام جای همچون رهبر، جنگجو، هنرمند و ... روانشناس را فوری متوجه تیپ مورد نظر و مسائل مربوط به آن می اندازد. و به همین جهت گذاشتن نام های سیاره ای بر روی تیپ های مورد نظر می تواند تصویری کامل از مشاهده ی شخصیت را نشان دهد. (نیکدار اصل و بهمنیار، ۱۴۰۰: ص ۵۵)

1 William Ban Ham

2 Laws of Scientific Hand Reading

به اعتقاد زمان نگارها، نمود عددی اجرام آسمانی بسیار است و هر کدام از آن‌ها در زندگی و سرنوشت انسان متفاوت است؛ به طوری که بسیاری از مولفان قدیم هم عقیده هستند که ۴ (یا ۷) سال نخست زندگی بشری تحت تأثیر ماه است. سال‌های ۵ تا ۱۴ تحت تأثیر عطارد؛ از ۱۴ (یا ۱۵) تحت تأثیر زهره؛ از ۲۲ تا ۳۴ تحت تأثیر خورشید؛ از ۳۴ تا ۴۵ تحت تأثیر مریخ، از ۴۵ تا ۶۵ (یا ۶۸) تحت تأثیر مشتری؛ و در نهایت از ۶۸ سال به بعد تحت تأثیر زحل. (همان: ۵۶)

معرفی لیلی و مجنون و خسرو و شیرین میرمحمد امین شهرستانی

میرمحمد امین شهرستانی اصفهانی (روح الامین) در شهرستان که نام روستایی از نواحی اصفهان است در سال ۹۸۱ هجری متولد شد و به علت مرضی در دربار شاه جهان در سن ۶۶ سالگی در دوشنبه، دهم ربیع الثانی سال ۱۰۶۷ هجری در گذشته است. (یاقوت حموی، ۱۳۸۰: ۴۷۳) روح الامین در شمار شاعرانی است که به دربار پادشاهان و حاکمان راه یافته و مورد توجه واقع شده است. روح الامین به سبب کسب جاه و مقام سلطنتی عازم دیار هند شده (اسکندر بیک ترکمان، ۱۳۷۷: ۸۸۳/۲) و توانایی و استعداد شاعری او نبود که او را به این سفر تحریک کرده باشد. پس هر چند روح الامین سفر خود را به هند و به ابتکار خویش، عازم این دیار در هوای منصب و جاه عالی شده بود، اما بعد از اینکه جوهره وجود خود را به اثبات می‌رساند، وقتی به ایران باز می‌گردد، این نامه‌های جهانگیر پادشاه است که او را می‌طلبد و او بار دیگر به دیار هند می‌رود و مراتب ترقی را پشت سر می‌گذارد. (نصر آبادی، ۱۳۷۷: ۵۶/۱) «شیوه او در شاعری همان است که در سده دهم و یازدهم در اثرهای بسیاری از شاعران می‌بینم. سخنش ساده، روان و توانایی اش در مثنوی بیش از غزل است. غزلهایش بیشتر به طرز وقوع و بیان حال خود در وصال و هجران است و از معانی حکمی عرفانی در آنها کمتر نشانی دیده می‌شود» (صفا، ۱۳۷۲: ۱۱۲۶/۵) روح الامین شهرستانی اصفهانی زاده از شاعران توانای سبک هندی است که در همه فنون شاعری به ویژه مثنوی‌های داستانی توانایی و مهارت داشته و به پیروی از نظامی، چند منظومه داستانی به نام‌های خسرو و شیرین، مطمح الأنظار، لیلی و مجنون و آسمان هشتم پدید آورده است

وی منظومه خسرو و شیرین را قریب ۸۰۰۰ هزار بیت به پیروی از نظامی سروده و در بیان حوادث و وقایع گوناگون به غیر از احوال شیرین و خسرو، به نظامی وفادار مانده است.

یکی از بهترین مثنوی‌های میرجمله، لیلی و مجنون است. چنان که مقایسه این اثر با لیلی و مجنون نظامی نشان می‌دهد، گاهی چیزی بر متن افزوده و گاه چیزهایی از آن کاسته تا کارش صرف تقلید نباشد. ترکیب سازی با بسامد بالا، توصیف‌های گسترده و خرده سنجانه، تصویرهای تشبیهی، استعاری و کنایی باریک و پر بسامد و بهره‌گیری از قرآن و حدیث، اساطیر، اشارات گوناگون دینی، نجومی، طبی، فرهنگ عامه و ... نیز به صورت چشم‌گیر در سخن او دیده می‌شود. نکته سنجی و

باریک گویی نیز از ویژگی های دیگر این شاعر توانمند است که به همین دلیل، بسیاری از ابیات آن دشوار و دیریاب شده است. لیلی و مجنون سومین مثنوی از روح الامین است که در مدت نه ماه سروده است.

بحث و بررسی

در قدیم، مردم با آسمان و ستارگان و صورت های فلکی و اعتقادات و باورهایشان زندگی می کردند و وضع ستارگان را در سرنوشت و وضع زندگانی خود مؤثر می دانستند. این اعتقادات ناشی از مجهول بودن رابطه علت و معلولی موجود بین پدیده های مختلف بود. «مردم قدیم در طی قرون متمادی از طریق مشاهدات و تجارب شخصی، تغییرات جوی، وقوع باد، زلزله، کسوف و خسوف، باران و... را پیش بینی کرده و برای هریک حکمی صادر نموده اند و از این راه مجموعه ای از قوانین و احکام به وجود آمده است که مانند سایر اجزای فرهنگ عامه سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و امروزه به دست ما رسیده است. این عقاید به هر صورت جزو دانش عوام و فرهنگ عامه است و چون از عقل و حکمت عامیانه و ذوق و دقت توده مردم مایه گرفته اند، از لحاظ مردم شناسی شایان توجه هستند.» (شکوری زاده، ۱۳۶۲: ۱۷۰) احکام نجوم یا اخترشناسی انگیزه اصلی علم نجوم ابتدایی بود. این دانش از نگاه انسان های دوره های کهن در تمام شؤون زندگی خصوصی و اجتماعی بشر دخالت مستقیم داشته و «مدتها به عنوان محرمانه ترین و مهمترین علوم آدمی به حساب آمده است.» (بیکرم، ۱۳۸۴: ۴۰). بر اساس اسناد موجود، علم احکام نجوم یکی از دانش های بسیار کهن ایران است (مسعودی بخاری، ۱۳۷۹: ۷). انسان باستانی ستارگان را ایزدانی نیرومند و توانا می پنداشته و بر این باور بوده که سرنوشت و بخت آدمی در گرو تأثیر آنها است (بیکرم، ۱۳۸۴: ۲۳۴). گذشتگان سرنوشت افراد را متأثر از افلاک می دانستند و می پنداشتند که همه چیز در جهان زیر سیطره اراده آسمان است. در منظومه خسرو و شیرین میرجمله، شیرین، خسرو را چنین دعا می کند:

به تو گردنده گردون مهربان باد همیشه بخت سرسبزت جوان باد

(میرجمله، ۱۳۸۸: ۳۲۶)

فلک پای بر سر زمینیان دارد:

گردد چه کم از تو ای خدایار پا بر سرم ارزنی فلک وار

(میرجمله، ۱۳۹۱: ۱۳۱)

چرخ ستیزه گر است:

از چرخ ستیزه گر حذر کن رحمی کن و سوی من نظر کن

(همان: ۱۳۲)

قدما افلاک را سبز می‌پنداشتند:

بود سرسبز دایم همچو گردون خوشی دروی بود زاندازه بیرون

(میرجمله، ۱۳۸۸: ۷۸)

نقاش رواق چرخ اخضر در آتش جاده ی سمندر

(میرجمله، ۱۳۹۱: ۱۸۱)

میرجمله توجه وافر و به مبحث طالع و طالع بینی دارد. طالع در لغت بر آینده و طلوع کننده است و در اصطلاح منجمان احکامی، جزوی از منطقه البروج است که در وقت معینی (مثلاً موقع به دنیا آمدن یا وقت سوال سوال کننده ای در موردی خاص) بر افق شرقی و در حال طلوع باشد. برج را برج طالع و درجه آن را درجه طالع گویند. اختر شناسان برای طالع در احکام نجوم و تنظیم زایچه اهمیت زیادی قائل بودند. (ماهیار، ۱۳۸۲: ۳۰۲) با توجه به رواج این عقیده در گذشته بسامد کلماتی مانند طالع و طالع بینی در دو منظومه غنایی لیلی و مجنون و خسرو و شیرین نسبتاً زیاد است؛ به عنوان نمونه میرجمله گفته است:

به طالع آیدش انگیس در فال رسد عمرش به آخر در همان سال

(میرجمله، ۱۳۸۸: ۱۱۹)

چوآرد در حمل مهر انور زعرض و طول آن اقلیم و کشور

(همان: ۱۱۸)

اعتقاد به سعد و نحس ساعات و ایام نیز در میان جوامع متداول بوده است. (شعر بافیان، ۱۳۸۳: ۸۸) در باورهای نجومی گذشته بعضی از سیارات نیز نحس یا سعد دانسته شده اند. از سعد و نحس که از موضوعات مشهور در احکام نجوم است بیشتر در مورد اختیار وقت و طالع بینی استفاده می‌شود.

کنون وقت است کز تایید گردون نهم پا از طلسم رنج بیرون

(میرجمله، ۱۳۸۸: ۳۶۸)

افلاک در فرهنگ عامه در لیلی و مجنون و خسرو و شیرین میرمحمد امین شهرستانی از دیدگاه بن هم

ونوس^۱، مطربه فلک

از دیدگاه بن هم « ونوس برای عشق آفریده شده و به او سلامتی، گرمی، و جذابیت جسمانی اعطا شده تا هر کجا می‌رود الهام بخش باشد. در سرشت او کوچک‌ترین نشانی از افسردگی، صفرا و سردی دیده نمی‌شود (واگنر، ۱۳۸۵: ۲۴۳). ونوس یا زهره دومین سیاره منظومه شمسی به نسبت فاصله از خورشید. معین زهره دو خانه دارد یکی ثور، دوم میزان و جای او به فلک سوم است و رنگ او سپید و اقلیم ماوراءالنهر حواله به اوست و نیز نام زنی که هاروت و ماروت شیفته او بودند. (غیاث الدین رامپوری، ۱۳۶۳: مدخل کلمه). زهره سیاره ای است معروف که در عربی ناهید نام دارد. (پادشاه، ۱۳۵۵: مدخل کلمه) سیاره ای است که مطربه فلک است. جای او به فلک سوم است و رنگ او سپید و اقلیم ماوراءالنهر حواله به اوست. زهره در کاربرد طالع بینی سعد اصغر است. با توجه به تمامی باورهای کهن در خصوص زهره «منجمان احکامی این ستاره را کوکب زنان و مردان و مخنثان و اهل زینت و تجمل و لهو و شادی و طرب و عشق و ظرافت و سخریه و سوگند دروغ دانسته‌اند.» (مصفی، ۱۳۸۸: ۳۴۶). مضمون دو منظومه غنایی لیلی و مجنون و خسرو و شیرین میرجمله عشق است و میرجمله نیز در دو منظومه مذکور مُدام از زهره نام می‌برد:

دهانم را چو زهره ساز پرشدهد بنه در بارگاه عزتم مه‌د

(میرجمله، ۱۳۸۸: ۳۷۱)

کنم از چاره راه وصل کوتاه نشانم زهره را برمسند ماه

(همان: ۱۴۹)

به پیش مطربانش لحن ناهید نماید همچو پیش گل، گل بید

(همان: ۱۳۹)

شد زد چو گلش زسایه برسر ناهید فزون زسعد اکبر

(میرجمله، ۱۳۹۱: ۶۰)

زهره بر او کنیز هندوست مغز آمده او خوبیش پوست

(همان: ۱۷۷)

بو از توشده قرین گل بید زهره است ز تو اسیر خورشید

(همان، ۵۱)

آپولون^۱

براساس نظریه بن هم، شخصیت‌هایی با طالع آپولون (خورشید) سرزنده و پر جنب و جوش هستند. آن‌ها بسیار خوش‌رو، سازگار و دوست داشتنی هستند. نگرش آپولونی نسبت به زندگی بسیار راحت و رها است. زندگی را به ندرت جدی می‌گیرند (واگنر، ۱۳۸۵: ۱۹۱). شخصیت خسرو در منظومه خسرو و شیرین دارای چنین شاخصه‌ای است. در منظومه خسرو و شیرین، خسرو دارای شخصیتی هوس‌پیشه است. در اصفهان شکر پس از مست کردن خسرو، به جای خود کنیزش را نزد او می‌فرستد و خسرو متوجه این موضوع نمی‌شود. شیرین نیز در شب ازدواجش وقتی خسرو مست به بالین او می‌آید، پیرزنی از آشنایانش را به داخل اتاق می‌فرستد و خسرو باز هم متوجه نمی‌شود دیدارهای مکرر خسرو با شیرین و به قهر بازگشتنش از نزد او، مسرور بودن از مرگ مریم و عزاداری برای او، رفتن به خواستگاری شیرین با وجود نبود مانع و رفتن به اصفهان و ازدواج با شکر اصفهانی همه دال برداشتن زندگی راحت و رها توسط شخصیت خسرو است.

جدول ۱. تیپ شخصیتی آپولون در خسرو و شیرین میرجمله

شخصیت با طالع آپولون	خسرو
----------------------	------

علاوه بر موارد مذکور میرجمله از فلک خورشید نام می‌برد و طالع خود را محمود می‌داند:

مرا ز اختر چو بود آغاز مسعود سرانجامم شد از خورشید محمود

(میرجمله، ۱۳۸۸: ۶۲)

سراپا غرق شد در بحر امیــــد به بام قصر آمد همچو خورشید
چو شب در وقت صبح آخر شد آن راه مقابل گشت آن خورشید با ماه

(همان: ۳۲۶)

در علم نجوم، مقارنه آفتاب و ماه زمانی رخ می‌دهد که بسیار بهم نزدیک شده باشند. مقارنه در اصل، به نزدیکی ظاهری اجرام منظومه شمسی به خورشید اطلاق می‌شود.

ماه نوزمانی شکل می‌گیرد که ماه در نزدیکترین فاصله از خورشید رسیده باشد.

به بیداری است یارب یا به خواب است قرینم مه شده یا آفتاب است

(همان: ۳۶۹)

ماه^۱

از دیدگاه بن‌هم، اشخاص با شخصیت ماه یک تیپ پیچیده هستند و افراد آن عمیق‌ترین اندوه-زدگان، افسردگان، مرگ‌پریشان، تخیلی‌ها، نفرت‌زدگان و حساس‌ترین آدم‌هایی که می‌شناسیم را در بردارند. با این تیپ باید با مراقبت و تفاهم رفتار کرد. (واگنر، ۱۳۸۵: ۲۲۷). اشخاص دارای شخصیت ماه، اگر فشارهای روانی در زندگی بیش از حد طبیعی خود باشد و راه کنار آمدن با آن پیدا نشود، فرد در خطر بیشتری با حمله اضطراب و افسردگی روبرو است. شخصیت‌های با تیپ ماه در منظومه لیلی و مجنون قابل مشاهده است. هم لیلی و هم مجنون بعد از شکست در عشق، هر دو به افسردگی مبتلا هستند. میرجمله مُدام از زبان لیلی و مجنون اظهار می‌کند:

زین غم همه اضطراب گشتم چون برف ز مهر همه آب گشتم

(میرجمله، ۱۳۹۱: ۱۸۳)

بادی که ازان تر است تشویش جسمم شده از وزیدنش ریش

(همان: ۱۸۸)

بیماری عشق، مجنون را به جنون سوق می‌دهد:

ای رفته قرار همچو پرتو وی کرده جنون کهنه را نو

(همان: ۱۴۰)

ز آسایش و خورد بی نصیبم بیمارم و گشته غم طبیبم

(همان: ۱۲۹)

سرسام شده زتاب دوری خون خورده زساغر صبوری

(همان: ۱۹۸)

پیش نظر دو باخته دل گشتند رمد مثال حایل

(همان: ۱۲۷)

از آتش غم جگر کبابم تب دار یسان آفتابم

(همان: ۱۸۶)

جدول ۲. تیپ‌های شخصیتی ماه در لیلی و مجنون میرجمله

شخصیت‌های با طالع ماه	مجنون	لیلی
-----------------------	-------	------

گاهی میرجمله در دو منظومه غنایی خسرو و شیرین و لیلی و مجنون، مهر و ماه را در کنار هم ذکر می‌کند که در اکثر مواقع حضور هر دو شخصیت عاشق و معشوق است:

شاهش را شاه گردون پیشکار است قمر از رشک او دایم نزار است

(میرجمله، ۱۳۹۱: ۱۳۹)

پا برسر آفتاب بنهاد تا حشر از آن است خرم و شاد

(همان: ۶۰)

کواکب پیش نورش مشتی انگشت قمر با روی خویش احوال زشت

(میرجمله، ۱۳۸۸: ۱۴۰)

بهرام^۱ (مریخ) جنگجوی فلک

از دیدگاه بن‌هم، شخصیتی با تیپ بهرام، به خاطر دوست می‌جنگد و هم‌دار و ندارش را برای او می‌دهد ... او خلق و خویی آتشین دارد و می‌تواند یک باره شعله‌ور شود. (واگنر، ۱۳۸۵: ۲۲۶). در نجوم قدیم که شالوده پندارهای دینی کهن‌ترین روزگاران را دربر دارد، بهرام - که آن را در عربی مریخ می‌نامند - نام یکی از هفت سیاره است. بر مبنای باورهای احکامی و اسطوره‌های کهن شاعران در اشعار خود از مریخ با نام‌های سلحشور، خنجرکش، جنگجو، خون‌آلود و یاد کرده‌اند. این ستاره در تصورات ایرانی و یونانی و روم، ایزد یا خدای جنگ بوده و به نام (آرس) است.

شخصیتی با تیپ بهرام که برای عشق می جگد و جان بر سرعشق می گذارد، شخصیت فرهاد است. ماجرای شخصیت فرهاد در منظومه خسرو و شیرین میر جمله بدین شرح است که هر روز خدمتکاران شیرین، مجبور بودند که شیر گوسفندان را از فاصله‌ای دور تا قصر شیرین حمل کنند و این کار بسیار پر زحمت بود. شاپور برای رفع این مشکل، همکلاسی قدیم خود، فرهاد را معرفی می کند. فرهاد برای انتقال شیر، جویی بین چراگاه گوسفندان و قصر شیرین می سازد اما در این حین، با دیدن شیرین، عاشق او می شود. ماجرا به گوش خسرو می رسد. در ابتدا خسرو تلاش می کند که فرهاد را با دادن پول، از سر راه شیرین بردارد ولی فرهاد با مناعت طبعی که دارد، پیشنهاد خسرو را نمی پذیرد. این بار خسرو به حيله متوسل می شود و به فرهاد قول می دهد که اگر کوهی را که رفت و آمد در تیسفون را مشکل می کرده، از سر راه بردارد، در عوض از عشق شیرین خواهد گذشت. فرهاد این پیشنهاد را می پذیرد و دست به کار کردن کوه می شود. یک شب، شیرین پیمانه‌ای شیر برای فرهاد کوه کن می برد. در راه بازگشت، اسب شیرین به عارضه‌ای دچار می شود و در حالی که کم مانده بود که شیرین را بر زمین بزند، فرهاد سر می رسد و با چالاکي، شیرین را از مرگ نجات می دهد. سپس شیرین و اسبش را بر دوش خود گذاشته و به قصر می برد. خبر دیدار فرهاد و شیرین به گوش خسرو می رسد. خسرو خشمگین می شود و نیرنگی دیگر به کار می برد؛ او پیکي به نزد فرهاد می فرستد و به دروغ به او می گوید که شیرین مرده است. فرهاد با شنیدن خبر دروغین مرگ شیرین، در دم جان می سپارد.

فرستد در سرهر ماه پیغام ز تیغ جان شکار خود به بهرام

(میرجمله، ۱۳۸۸: ۱۳۹)

بدان سان خوش کن از جام خودم کام که باشد در فضای جدی بهرام

(همان: ۳۷۱)

در منظومه لیلی و مجنون میر جمله، لیلی با فردی به نام ابن سلام ازدواج می کند و مجنون همواره لیلی را به بی وفایی متهم می کند؛ لیلی بدون اطلاع همسرش چندین بار به دیدن مجنون می رود؛ اما مجنون وصال ابدی می خواست. بعد از آن همسر لیلی وفات می کند، لیلی دیگر مانعی برای وصال نمی بیند، برای مجنون فرستاده‌ای می فرستد که مجنون به دیدنش بیاید، اما مجنون که دیگر همه خانواده اش را از دست داده و به کوه و بیابان پناه برده، دیگر آن مجنون سابق نیست، بلکه عاشقی است که از محدوده عشق به لیلی فراتر رفته و به سیر و سلوک معنوی دست یافته، لیلی با دیدن مجنون متوجه می شود که دیگر باید از او دست بکشد، به مادرش وصیت می کند و می میرد و مجنون بعد از شنیدن خبر مرگ لیلی بر سر مزار او رفته و سوگواری می کند و بعد از مدتی نیز در کنار دلبنده خود می میرد.

جدول ۳. تیپ‌های شخصیتی بهرام در لیلی و مجنون و خسرو و شیرین میرجمله

مجنون	لیلی	فرهاد	شخصیت‌های با طالع بهرام
-------	------	-------	-------------------------

مشتري^۱ (برجیس)

بن هم در بررسی از شخصیت با طالع مشتري (برجیس) معتقد است که یک فرد ژوپیتري را از طرز رفتار اصیل و حضور بزرگ منشاءه‌اش می‌شناسیم. کسی که روی حرف خود می‌ایستد و مسئولیت اوضاع را بر عهده می‌گیرد. او حس قدرتمند مسئولیت‌پذیری و شرافت هم دارد، شخصیت ژوپیتري توانایی زیادی در سازمان‌دهی دارد، لحن صحبت‌اش پر قدرت و وادار کننده است (واگنر، ۱۳۸۵: ۱۷۰). تیپ ژوپیتري اغلب جاه طلب و رهبر است...

تیپ ژوپیتري عشقی که به مناصب بالا دارد او را اغلب یک سیاستمدار می‌کند. (Banhem, 19901 : 199) از دیدگاه بن هم، سیاست از جمله ویژگی‌های این تیپ شخصیتی است. بن هم در عین اینکه سیاست را ویژگی برجسته این تیپ شخصیتی می‌داند، آن را هم به عنوان یک شغل در نظر داشته است، که لازمه‌ی یک چنین شغلی هم خوی و خصلت‌های اشرافی‌گری و خودمختاری است. اما اگر این نوع شخصیت حس عدالت‌خواهی نیز داشته باشد، مردم عادی از او به عنوان منجی و یاریگر یاد می‌کنند. میرجمله در منظومه خسرو و شیرین، در توصیفات مستقیم خود خسرو را پادشاهی عادل و دادگستر معرفی می‌کند. برای نمونه وی در قصر خسرو به هنگام بار عام، پنج صف از مردم حضور دارند: توانگران، حاجت‌مندان (درویشان)، بیماران ناتوان، زندانیان و محکومان به مرگ. دارنده بار به این پنج گروه ندا می‌دهد که هر صف به صف زیر خود نگاه کند. بدین ترتیب توانگر با دیدن درویش شکر به جا می‌آورد؛ درویش وقتی بیمار را می‌بیند شکر سلامت می‌گوید؛ بیمار از دیدن بندی به نعمت آزادی شکر بسیار می‌کند؛ بندی از دیدن خونی هزار هزار شکر می‌کند که به جای او نیست و خونی وقتی امید رهایی را چشم می‌دارد، شکرش فزونی می‌یابد. شاعر این سیاست خسرو را دالیتی بر عدالت او دانسته است.

جدول ۴. تیپ شخصیتی مشتري در خسرو و شیرین میرجمله

خسرو	شخصیت با طالع مشتري
------	---------------------

لازم به یادآوری است که مشتری نام ستاره ای که بر فلک ششم است. اهل تنجیم آن را سعد اکبر دانند و آن را قاضی فلک نیز گویند، به فارسی برجیس و به هندی برهسپت و خانه اوقوس و حوت و شرف او در سرطان. (پادشاه، ۱۳۵۵: مدخل کلمه). به چند شاهد مثال از میر جمله توجه فرمایید:

شمارد مشتری را راهب پیر که باشد غرق در دریای تقصیر

(میر جمله، ۱۳۸۸: ۱۳۹)

نظرکن برمن ای برجیس ثانی زلطفم بخش عرض زندگانی

(همان: ۳۷۱)

شد مشتری زجان خریدار چون مهرش گرم گشت بازار

(میر جمله، ۱۳۹۱: ۶۰)

در بیت فوق برجیس همان ستاره مشتری است. (نفیسی، ۱۳۴۳: مدخل کلمه) نام های دیگر آن هرمزد، اورمزد و زاوش و سعد اکبر و آن یکی از سیارات سبع است. برجیس بر فلک ششم تابد و آنرا قاضی فلک گویند و خانه اوقوس و حوت است. (دهخدا، ۱۳۶۵: مدخل کلمه) برجیس بفتح باء است چرا که وزن فعلیل بالفتح در کلام عرب نیامد. (غیاث الدین رامپوری، ۱۳۶۳: مدخل کلمه) معشوق در خوش یُمینی و نکومظری مانند برجیس است:

چو پیشم آمد آن برجیس منظر که باد آینده اش از رفته بهتر

(میر جمله، ۱۳۸۸: ۳۹۴)

زحل^۱

از دید بن هم، زحل یا کیوان^۲ نوع تیپ، افراد بسیار جدی هستند و یک روحیه‌ی خشک و گرفته‌ای دارند، هیچ گونه روحیه‌ی شوخ طبعی در آن‌ها یافت نمی‌شود. این گونه افراد زندگی را بسیار سخت می‌گیرند و نسبت به رفتارها و کارهای دیگران حساس هستند. بن هم این نوع تیپ شخصیتی را مورد تحلیل قرار داده است؛ به نظر او این نوع شخصیت همان آدم گرفته و محزون گوشه‌نشین است که بجوش نیست. حضورش به هر جمعی حال و هوای جدی می‌دهد. به چشم دیگران زندگی خشک و خالی و تاریک و بی‌رنگی را می‌گذراند، ولی در واقع در حال سیراب کردن عطش روح خود در قلمرو شگفت انگیز دانش و تجربه‌های درونی است (واگنر، ۱۳۸۵: ۱۷۹ و ۱۸۰). کیوان، نام کوکب زحل

1 Saturn

2 Kaivan

است که در فلک هفتم است و از همه کواکب اعلی و اعظم است، و کی به معنی بزرگ و «ون» و «وان» به معنی مانند است. (پادشاه، ۱۳۵۵: مدخل کلمه) زحل. یکی از سیارات منظومه شمسی میان برجیس (مشتري) و اورانوس. به عقیده قدما این ستاره در فلک هفتم جای دارد و آن را دورترین کواکب گمان می برده اند. نجم ثاقب. (دهخدا، ۱۳۶۵: مدخل کلمه) کیوان اسم ایرانی نیست و بابلی است و ظاهراً ایرانیها اسمی برای زحل نداشته اند. (تقی زاده، ۱۳۸۸: ۲۰۴). مهم ترین تیپ های شخصیتی که با طالع زحل در دو منظومه غنایی لیلی و مجنون و خسرو و شیرین دیده میشوند شخصیت مجنون، لیلی و فرهاد هستند:

جدول ۵. تیپ های شخصیتی زحل در لیلی و مجنون و خسرو و شیرین میرجمله

شخصیت های با طالع زحل	مجنون	لیلی	فرهاد
-----------------------	-------	------	-------

در دو منظومه غنایی لیلی و مجنون و خسرو و شیرین میرجمله، زحل نحس اکبر است و در آسمان هفتم جای دارد و روز شنبه منتسب به اوست. وی پیرفلک و راهب است.

زحل را هندوی فرتوت خواند زنخوت اسب برفیلش نراند

(میرجمله، ۱۳۸۸: ۱۳۹)

مکن قدر مرا سنگین چو کیوان به گاه جلوه اش در قلب میزان

(همان: ۳۷۱)

برسر قدمش نهاده کیوان شد دردش را نصیب درمان

(میرجمله، ۱۳۹۱: ۶۰)

عطارد (تیر)^۱

از دید بن هم، این تیپ شخصیتی را معمولاً با سه ویژگی هوشمندی، کارآمدی و خوش صحبتی می توان شناخت. این گونه افراد بیشتر تنوع طلب و بی قرار و ناآرام اند و همین ویژگی ها سبب می شود تا به سفر کردن ترغیب شوند.

عطاردی هم از نظر جسمی و هم از نظر فکری فعال و سریع است، اما اندیشه ها و توانایی هایش از او غولی می سازند. هنگام معامله کردن با چنین فردی، همیشه سهم بهتر نصیب آنان می شود (واگنر، ۱۳۸۵: ۲۰۳ و ۲۰۴).

عطاردی یک سیاستمدار عالی است. در این حرفه نیز مثل هر حرفه‌ی دیگر ادراک درونی او از آدم‌ها، زیرکی و زرنگی فطری او بر موفقیت بالقوه‌اش می‌افزاید (واگنر، ۱۳۸۵: ۲۱۲). تیپ عطاردی در این مقام مسئول به وجود آمدن بسیاری از گروه‌های بزه‌کار به شمار می‌رود. بسیاری از آنان به جرم بزه‌کاری‌ها، دله دزدی، حقه بازی، جعل نامه، جعل سند، و مانند آنها در حبس و زندان به سر می‌برند. به یاد داشته باشید که مرکوری (عطارد) در اساطیر یونانی دزد خدایان است (واگنر، ۱۳۸۵: ۲۱۵). نمونه چنین تیپ شخصیتی در منظومه خسرو و شیرین میرجمله، شخصیت خسرو است. خسرو، شاهزاده‌ای است که به هوس‌پیشگی شهره عالم بود و عشق را به مصلحت و نیرنگ می‌آلود. شانه خالی کردن‌های خسرو از زیر بار مسئولیت بسیار در داستان تکرار می‌شود. او چه در فرار باشد چه در قرار، همواره مشغول خوش‌گذرانی است. هر گاه که بستر عشرت‌طلبی را فراخ می‌یابد، دیگر از حق از دست رفته‌اش و مسئولیتی که در قبال کشور دارد، یادی نمی‌کند.

وقتی مهمان مهین‌بانو است تا زمانی که به دیدار شیرین نایل می‌شود، دمی از عشرت‌طلبی فارغ نیست و پس از آن هم در بزم با شیرین و کنیزکانش یا به شکار و چوگان‌بازی می‌پردازد یا عشق‌بازی. تا زمانی که عتاب شیرین او را به خود نیآورده است، به دنبال باز پس گرفتن تاج و تخت نمی‌رود. با به دست گرفتن حکومت نیز به اندک مدتی همان خوش‌گذرانی‌ها را از سر می‌گیرد و خودش را با می‌گساری و نوای باربد و نکیسا مشغول می‌کند. افراطش در نوشیدن شراب تا به آن حد است که باید از مجلس او را بر دوش بیرون ببرند.

در منظومه خسرو و شیرین میرجمله، تصویر دقیقی از پادشاهی خسرو و نحوه حکومت‌داری او دیده نمی‌شود. جلسات او با سران مملکت یا برای خوش‌گذرانی و گفت‌وگو درباره زنان بر پا می‌شود یا برای یافتن راه حل رسیدن به شیرین و نقشه کشیدن برای فرهاد.

جدول ۶. تیپ شخصیتی عطارد در خسرو و شیرین میرجمله

شخصیت با طالع عطارد	خسرو
---------------------	------

در مجموع، تیر یا عطارد (دهخدا، ۱۳۶۵: مدخل کلمه) نزدیک‌ترین سیاره به خورشید در منظومه خورشیدی و تندروترین سیاره منظومه خورشیدی است... و به همین دلیل است که شاید، ایرانیان باستان آن را «تیر» نامیده و در یونان «مرکوری» یا «پیک خدایان» لقبش داده بودند. (سالاری، ۱۳۸۵: مدخل کلمه) عطارد در ادبیات فارسی و ادبیات عربی، «دبیر فلک» نیز خوانده شده است. در فارسی به خانه عطارد (برج جوزا و سنبله)، پاتو می‌گفتند. نام اروپایی این سیاره، Mercury، از واژه‌ای لاتین گرفته شده که در مقابل نام یونانی هرمس است.. (دگانی، ۱۳۸۶: مدخل کلمه) به شاهد مثال‌های زیر از میرجمله در باب عطارد (تیر) توجه فرمایید:

بررایش عطارد بی سواد است بیاضش را بیاض وی سواد است

(میرجمله، ۱۳۸۸: ۱۴۰)

ز خیل او که بیرون از کتاب است عطارد کندرو در آن حساب است

(همان: ۷۶)

چوگیرم کلک سحرآیین در انگشت کند در دم عطارد سوی من پیش

(همان: ۱۴۹)

مرا چون تیر در خوشه شرف ده چوبختم تاج قرب خود به سرنه

(همان: ۳۷۱)

شد تیر چو آگه از حسابش از چشم فتاد آفتابش

(میرجمله، ۱۳۹۱: ۶۰)

نتیجه‌گیری

میرجمله، بی شک با علم نجوم آشنایی کامل داشت. وی بطور دقیق از اصطلاحات نجومی در شعر برای تفهیم معنا مدد می‌گیرد و این امر زیبایی دوصد چندان‌ی به شعر وی می‌بخشد. او خیلی دقیق مبحث «مقارنه» را مطرح می‌سازد که حتی با علم نجوم امروزی هم مطابقت دارد. تنوع طالع بینی در دو منظومه غنایی خسرو و شیرین و لیلی و مجنون زیاد است.

در بررسی شخصیت‌های دو منظومه غنایی خسرو و شیرین و لیلی و مجنون میرجمله، شخصیت‌های مجنون، لیلی و فرهاد دارای طالع نحس (زحل) هستند. تمامی شخصی‌های دو منظومه غنایی مذکور با طالع عشق (ونوس) زاده می‌شوند، زیرا عشق مضمون اصلی هر دو منظومه مورد بحث مقاله است. البته لازم به یادآوری است که خصایل و ویژگی‌های طالع عطارد و مشتری (برجیس) را می‌توان در زندگی و شخصیت خسرو، در منظومه خسرو و شیرین میرجمله مشاهده کرد.

منابع

اختری پور، کاوه (۱۳۹۳) مقدمه و تصحیح دیوان روح الامین شهرستانی اصفهانی. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم. استاد راهنما: محمود عابدی محمود عابدی.

- آسمند جونقانی، علی (۱۳۸۸) «ادبیات تطبیقی»، کتاب ماه. ش ۲۶. خردادماه. صص ۳۵-۴۲.
- آقابزرگ الطهرانی، محمد (۱۴۰۳) *لذریعة الی تصانیف الشیعة*. بیروت: دارالاضواء.
- آقا میرزا محمدعلی مدرس تبریزی (۱۳۶۹) *ریحانة الادب*. جلد ۵ و ۶ تهران: کتابفروشی خیام،
- اسکندر بیک ترکمان (۱۳۷۷) *تاریخ عالم آرای عباسی*. به کوشش محمداسماعیل رضوانی، تهران: چاپ گلشن امیرکبیر.
- امین احمدرازی (۱۳۷۸) *تذکرة هفت اقلیم*؛ با تصحیح و تعلیق جواد فاضل، جلد ۱ و ۲، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- انوشیروانی، علیرضا (۱۳۸۷) *پنجره‌هایی گشوده روبه جهان*. اعتماد. ش ۱۷۶۲.
- باباصفری، علی اصغر (۱۳۹۲) *فرهنگ داستان‌های عاشقانه در ادب فارسی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بیکرم، ئی؛ هنینگ، دبلیو بی و دیگران (۱۳۸۴) *(علم در ایران و شرق باستان، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان و نشر قطره.*
- پادشاه، محمد (۱۳۵۵) *آندراج*، فرهنگ جامع فارسی، زیرنظر محمد دبیرسیاقی، تهران: سروش.
- پادشاه، محمد (۱۳۳۵) *فرهنگ آندراج*، تهران: خیام.
- تقی زاده، سید حسن (۱۳۸۸) *گاه شماری*. تهران: توس
- وفازواره ای، محمدعلی (۱۳۹۴) *تذکرة مآثر الأمراء*، نسخه خطی کتابخانه مجلس، باب میم.
- حسین صبا، محمد مظفر (۱۳۴۳) *تذکرة روز روشن*، مصحح محمدحسین رکن زاده آدمیت. تهران: کتابخانه رازی.
- خزانه دارلو، محمدعلی (۱۳۷۵) *منظومه های فارسی*. چاپ اول. انتشارات روزنه.
- خزانه دارلو، محمدعلی، سلطانی، بهروز (۱۳۹۱) مقایسه «شیرین و خسرو» روح الامین شهرستانی اصفهانی با «خسرو و شیرین» نظامی. *پژوهش زبان و ادبیات فارسی* - شماره ۲۵. تابستان. صفحه - از ۲۹ تا ۵۰.
- خشک جهان، فرهاد (۱۳۸۶) *تصحیح لیلی و مجنون روح الامین شهرستانی*. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه قم. استاد راهنما: سید علیرضا حجازی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۵)، *لغت نامه*، تهران: موسسه لغت نامه دهخدا.
- دهمرده، حیدرعلی، خوش جهان، فرهاد (۱۳۹۰) مقایسه لیلی و مجنون نظامی با لیلی و مجنون روح الامین شهرستانی. *نشریه: ادب و زبان*. شماره ۲۹. بهار ماه.
- دگانی، مایر (۱۳۸۶) *نجوم به زبان ساده*. تهران: نشر مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۲) *یکصد منظومه عاشقانه فارسی*. تهران: نشر چرخ.
- راوندی، مرتضی (۱۳۷۴)، *تاریخ اجتماعی ایران*، جلد هشتم، تهران، انتشارات نگاه.
- رضایی اردانی، فضل الله، ذبیح نیا عمران، آسیه (۱۴۰۳) «شخصیت شناسی رمان بازی آخر بانو بلقیس سلیمانی بر اساس افلاک هفتگانه ویلیام بن هم» *مجله ادبیات پارسی معاصر*، دوره: ۱۴، شماره: ۱ صص ۱۲۹-۱۵۵.
- سالاری، حسین (۱۳۸۵) *دهر-پویشی در جهان بیکران*. تهران: نشر مهاجر.

ستودیان، مهدی (۱۳۸۷) ریشه یابی داستان لیلی و مجنون. **فصلنامه ادبیات فارسی**. مشهد: دانشکده ادبیات دانشگاه آزاد. شماره ۱۸.

سمسار، محمد حسن (۱۳۴۲) «آرایش و هنر»، **هنر و مردم**، تهران، ش ۱۶. ص ۳۳.

شادروی منش، محمد، اختری پور، کاوه (۱۳۹۸) بررسی انتقادی منابع شرح حال و سروده های روح الامین شهرستانی. **آینه میراث** دوره ۱۷ شماره ۲، پاییز و زمستان. شماره صص: ۲۰۳ - ۲۲۱.

صفا، ذبیح الله (۱۳۷۲) **تاریخ ادبیات در ایران**. جلد ۵ بخش ۲ جلد ۲. چاپ دهم. تهران: انتشارات امیرکبیر.

کیخا، بتول (۱۳۹۳). «فهرستنامه های نسخ خطی فارسی در هند»؛ **فصلنامه مطالعات شبه قاره**، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال ۶، شماره ۲۰، صص ۱۹۸-۱۷۳.

گلچین معانی، احمد (۱۳۶۹) **در کتاب کاروان هند**. مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

فرزانه راد، محمدباقر (۱۳۹۰) **تصحیح کتاب خسرو و شیرین براساس خمسه روح الامین**، محمد امین شهرستانی میرجمله. پایان نامه دانشگاه علامه طباطبائی. استاد راهنما غلامرضا مستعلی پارسا.

قزلباش، علی کمیل (۲۰۰۶) **ارزش مطالعه تطبیقی در ادبیات**، اسلام آباد: سروش.

علیق‌لی واله داغستانی (۱۳۸۴) **تذکره ریاض الشعرا**. مقدمه تصحیح و تحقیق سید محسن ناجی نصرآبادی، جلد ۲ و ۴ تهران: انتشارات اساطیر، ج اول.

علی بن طیفور بسطامی (۱۰۹۲) **حدائق السلاطین**؛ ، به کوشش شریف النساء انصاری، دهلی.

غیاث الدین رامپوری، محمد (۱۳۶۳) **غیاث اللغات**. تهران: امیرکبیر.

مسعود بخاری، شرف الدین محمد بن مسعود (۱۳۷۹) **مجمع الاحکام**، تصحیح علی حصوری، تهران: طهوری.

مصفی، ابوالفضل (۱۳۸۸) **فرهنگ اصطلاحات نجومی**، چاپ چهارم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.

معین، محمد (۱۳۶۴) **فرهنگ فارسی**، تهران: امیرکبیر.

منزوی، احمد (۱۳۴۸) **فهرست نسخه های خطی فارسی**؛ ج ۴، تهران: مؤسسه فرهنگی و منطقه ای.

مهدوی، سیدمصلح الدین (۱۳۸۳) **در کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان**. نشر گلدسته.

میرجمله (۱۳۸۸) **خسرو و شیرین**. به کوشش پریچهره سلطانی. انتشارات سامان دانش.

---- (۱۳۹۱) **لیلی و مجنون**، زیر نظر اوا اورتمن، محمد کریمی زنجانی اصل، قم: مجمع ذخایر اسلامی.

نصرآبادی، محمدطاهر (۱۳۷۷) **تذکره نصرآبادی**. به کوشش وحید دستگردی، جلد ۱، تهران: اساطیر.

نیکداراصل، محمدحسین، بهمنیار، عیسی (۱۴۰۰). «تحلیل شخصیت در گلستان و بوستان سعدی براساس تیپ-های هفت‌گانه سیاره ای ویلیام بن هم». **پژوهشنامه ادبیات تعلیمی**، دوره ۱۳، شماره ۵۱، آذرماه، صص ۵۲-۸۴.

واگنر، کارل (۱۳۸۵). **هنر و علم تحلیل شخصیت**، ترجمه ناتالی جوبینه، تهران، نشر تنویر.

یاقوت حموی (۱۳۸۰) **مجمع البدان**. ترجمه علینقی منزوی. سازمان میراث فرهنگی کشور، اداره کل آموزش، انتشارات و تولید فرهنگی.

یوست، فرانسوا (۱۳۸۶) «چشم‌انداز تاریخی ادبیات تطبیقی». ترجمه علیرضا انوشیروانی. **مجله مطالعات ادبیات تطبیقی** دانشگاه آزاد اسلامی جیرفت. شماره ۳. صص ۶۰-۳۷.

Banhem. G. Willam.(1901). Laws of Scientific Hand Reading, New York & London : G. P. Putnam's sons.

COPYRIGHTS

© 2025 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: کریمی ملیحه، منگلی ماندانا، عرفانی واحد فاطمه، مضامین مشترک در ادبیات پایداری فارسی و عربی (رمان‌های «زمین سوخته» اثر احمد محمود و «فهرس» اثر سنان أنطون)، فصلنامه ادبیات تطبیقی، دوره ۱۹، شماره ۷۴، بهار ۱۴۰۴، صفحات ۱۴۹-۱۲۸.